



■ ■ ■ توضیحی بر انتشار "مقدمای بر اعلامیه کهنه" هم آهنکی انقلابی سازمانهای چریکی ■ ■ ■

آمریکای لاتین، "مدرج در" مجاهد" شماره ۵

مقاله "مقدمای بر اعلامیه کهنه" هم آهنکی ۱۳۰۰، در آذرماه ۱۳۵۳، همراه با متن "اعلامیه کهنه" هماهنگی انقلابی و مقدمه‌هایی که روزنامه شرقی الطلیعه (۱۶ مارس ۱۹۷۴) و نشریه "باختر امروز" (اردیبهشت ۵۳) بر آن نوشته بودند، در نشریه داخلی سازمان، تحت عنوان "اعلامیه وحدت آمریکای لاتین" منتشر شد.

در خرداد ماه ۵۴، این "مقدمه" با تغییرات و اضافاتی از مقاله "مقدمای بر چاپ دوم انقلاب پرولتری و روزیونسم خروشیفی" و "جزوه آموزش" (جزویست درون تشکیلانی)، که در مجموع نمیتوانست منعکس کند، نقطه نظرات سازمان باشد، در مجاهد شماره ۵، چاپ و منتشر گشت. انتشار این مقاله با این تغییرات که عمدتاً انعکاس استنباط نادرست ما - گروه مشول انتشار مجاهد و نشریه خبری - از نقطه نظرات سازمان بود، در اثر بروز اختلافاتی در امر ارتباطات، که شرایط و مشکلاتی پلیسی رژیم شاه جنایتکار بر ما تحمیل میکند، صورت گرفت.

ما ضمن توضیح این اشتباه، شما را به متن اصلی این مقدمه که عیناً در ضمیمه شماره یک "بهانیه" اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان آمده است، ارجاع میدهیم.

گروه مشول انتشار مجاهد و نشریه خبری - دی ماه ۵۴

■ پیوستن فرماندهان شایسته به سازمان مجاهدین خلق ایران

طبق اطلاعات رسیده، سرهنگ (سرگرد ۴) علی محبی، فرمانده بارگان شایر، با تقدیمی سلاح و مهمات به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوسته است.

در شماره‌های آینده اطلاعات بیشتری در این مورد باطلاع خواهیم رساند.

■ تهران - درگیری مسلحانه در خیابان شیوا - ۱/۱/۵۴

ساعت ۴ بعد از ظهر روز سوم آذرماه، یکی از رفقای مجاهد در خیابان شیوا (واقع در جنوب شرق تهران) با دو گنشی کهنه مواجه می‌شود. دو اکپ کهنه در دو ماشین پژو ۵۰۰ سعید رنگ و هراکپ خشک از چهار سرنشین مسلح به اسلحه کسری و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سلسل، قصد تفتیش و بازرسی رفیق را می‌نمایند. لیکن قبل از آنکه بتوانند اقدام عملی صورت دهند، مورد تهاجم رفیق قرار می‌گیرند.

رفیق پس از يك آتشبار وسیع و موفق می‌شود که با استفاده از شناسائی منطقه، خود را سلامت از آنجا خارج کند. پس از این درگیری، نیروهای پلیس و کمیته تا شب، منطقه را ندیدند تحت کنترل گرفته و عناصر مطمئن را مورد بازرسی قرار می‌دادند. این برخورد و فرار موفقیت آمیز رفیق، ضمن آنکه نمایشگر رشد تشکیکی و تاکتیکی چریک شهری است، هراس روزافزون مزدوران جنایت‌پیشه رژیم از انقلابین را نیز نشان می‌دهد.

✽ تهران - درگیری مسلحانه در خیابان کرگان - ۱۴/۷/۷۴

روز پنجشنبه ۲۴ مهرماه، فولکس‌واگن با چهار سرنشین، در خیابان کرگان (حوالی نغام آباد، چهارراه عظیم پور) مورد تعقیب يك ماشین ساواک قرار می‌گیرد، و در حوالی منطقه مزوره يك درگیری مسلحانه میان طرفین روی می‌دهد که شرح آن طبق اطلاعات رسیده از اینقرار است: ابتدا چریکها (سرنشینان فولکس‌واگن) ساواکها را به رگبار سلسل می‌بندند و دیده‌شدفاست که از شانه يك ساواکی خون بیرون می‌جهد. در این حال دو تن از سرنشینان فولکس‌پیاده شده و دو تن دیگر با فولکس‌فرار می‌کنند.

در ادامه درگیری، رفیق دشتی که مشغول جنگ و گریز بوده، یکی از ماموران دشمن را به‌خرب گلوله مچرج می‌سازد. اما در این حال گولهای به تارنکشان اصابت نموده و آنرا منفجر می‌کند. رفیق با انفجار نارنجک شهادت میرسد و جسدش بطوری متلاشی می‌شود که قابل شناختن نبودفاست.

ضمناً شایع است که در این درگیری، يك رفیق‌پسر نیز شهادت رسیده و چند تن از افرادی که در آن حوالی بوده‌مانده، مچرج شده‌مانند.

بدنهای این درگیری، پلیس به کنترل شدیدی در منطقه دست می‌زند و بگریز بعد از درگیری، منطقه شمال خیابان شاهرضا (حدود خیابان کرگان و سلمان فارسی) را خانه به خانه مورد بازرسی قرار می‌دهد.

روز شنبه ۲۶ مهر نیز منطقه کرگان را در محدوده میدان ثریا - خواجه نصیر - سلمان فارسی - نظام آباد و بطور کلی حوال چهارراه عظیم پور، از صبح تا ساعت يك بعد از ظهر، خانه به خانه بازرسی کردند. در اینروز ماموران ساواک با لباس شخصی، مجهز به بی‌سیم، به‌عنوان پلیس به خانه‌ها مراجعه نموده و يك بازرسی ساده (اسم، شغل و تعداد افراد ساکن در منزل...) بعمل می‌آوردفاست. اما در مورد خانه‌هایی که ساکنین آن دانشجویان مجرد بوده، یا خانه‌هایی که بنظرشان مشکوک می‌رسیده، حساسیت زیاد به‌خرج داده و دقیقاً بازرسی می‌کردند.

✽ اصفهان

در اواسط اردیبهشت‌ماه، معاین ساواک اصفهان بنام نقی، مورد اصابت گلوله قرار گرفته است. هم‌چنین شایع است که معاینه شهرتانی اصفهان در روز ۱۲ خرداد، با گلوله مچرج شده است.

■ در زنگول

در اوایل مرداد ماه، هزبان با استقرار اردوی تابستانی دانشجویان در زنگول، رئیس ساواک این شهر در حالیکه شند شنا در استخر بود، هدی گوله قرار میگیرد و چهار گوله پستی شلیک میشود. لیکن گوله ها اصابت ننموده و هاروب بهراری می شود.

■ مشهد

بانک ایران وانگلیس شعبه مشهد واقع در خیابان تهران- میدان آب، در تاریخ ۲۸ شهریور با مواد آتش زاه به آتش کشیده شده است.

انجمنی از زندانیان

■ تهران

آسیه احمدی - خواهر مجاهد اسیر - بود احمدی - را که نزدیک به یکسال قبل دستگیر شده است به ۳ سال زندان محکوم کرده اند.

شوهری غلامرضا جلالی نیز فریب یکسال پیش در خیابان سیروس توسط گشتی های کمین دستگیر و به ده سال زندان محکوم شده است.

آسیه احمدی در زندان وضع حمل کرده است و طبق یک خبر کامل موتقی، مردوران باید استثنی، کودک نوزاد او را در پی روی پدر و مادرش نگاه می رده اند تا رومی آنها را غرق کنند.

این سخنانی و درنده خوش، گوشه ای از شکنجه ها و جانیانی است که رژیم خوانخواه شاه بر فرزندان دلاور خلق ما در سیاهانهای اعمال میکند. تا بود باد رژیم نانیست شاه جنایتکار.

بالاخره پس از مدتی که مردوران استثنی کودک را در سیاهبال نگه داشته بودند، او را در حالیکه بدنتش کبود و چشم هام خورم بوده است، به مادر آسیه تحویل داده اند.

■ تهران

در نشریه خبری شماره ۱۷ خبر دستگیری حاتم کبری (مادر مهدی اسیر، حسن و علیرضا کبری) و حمید و حیانت (هسرم حسن کبری و خواهر مجاهد اسیر حمید حیانت) را درج کرده بودیم.

طبق اطلاعات رسیده، این دو پسر از تحمل یکسال بازداشت و شکنجه، به نادرسی ارتش فرساده شده اند - بعد از گاه از حاتم کبری را به حبس ابد و حمید و حیانتی را به هشت سال زندان، محکوم کرده است.

■ تهران

رفیق مجاهد لطف الله میس با چشمان نابینا و دستار ارسج قطع شده در زندان کیمه دیده شده است که پس از یکسال چند ماه تحمل شکنجه و سیاهبال، همچنان از رومی ای رزنده و انقلابی برخوردار است.

« تهران - تظاهرات مادران شهید » و زندانیان سیاسی ، اردیبهشت ۴۱

پس از اتمام ۴ تن از رفقا در زندان ، رفقای زندانی در قصر ، همان شب دست به تظاهرات زدند و نیز تا صبح نمی خوابیدند . از فردای آنروز هر روز گروهی از زندانیان را به کمیته منتقل نموده و تنها تعداد کمی را در قصر باقی می گذارند . همچنین بر زندانیان انتقالی ملاقات نمی دادند .

خانواده های زندانیان ابتدا به مراجع مختلف شکایت می بردند لیکن طبق معمول ، هر اداره از خود سلب مسئولیت نموده و اداره دیگری را مسئول قتلداد میکند .

روز شنبه ۱۳۶۴/۲/۱۰ ، مادران رفقای زندانی ، برای گرفتن ملاقات و مادران شهید ، برای گرفتن جسد های فرزندان ، به دادرسی ارتش می روند ، و پس از یک شاجره لفظی خشن با مسئولین آنجا ، به ساواک مرکزی مرغرابخانه ، مراجعه می کنند . لیکن آنجا نیز پاسخی نمی شنوند . بالاخره روز پنجشنبه ۱۳۶۴/۲/۱۱ ، در جلوی مجلس اجتماع نموده و با شعارهای " الله اکبر " بسی بازار حرکت میکنند . آنها در طول راه مردم ، مغازه داران ، رانندگان اتومبیلها ، عابران ... توضیح میدادند که : " هدفناست بچه هایمان را ندیده ایم ، بچه هایمان را دسته دسته و دین دلیل می کنند ... "

مردم بگرد مادران جمع میشوند ، اتومبیل ها نیز متوقف شده و آنها را تاشا می کنند و بالاخره وقتی جلوی مسجد شاهی رسیدند ، پلیس که از ازدحام مردم بهراس افتاده ، به مادران حمله نموده و ۲۰ تن از آنها را دستگیر می نماید .

« تهران -

در هجدهم خرداد ۴۱ ، مادر شهید حکمت جو (که پس از ۱۲ سال زندان ، زیر شکنجه به شهادت رسید) مجلس ختمی در سالگرد شهادت فرزندش ترتیب می دهد .

وی ابتدا به ساواک تلفن زده و می پرسد : " اجازه می دهید برای پسرم مراسم سال بگیرم ؟ "

آنها پاسخ مثبت می دهند ، اما هنگامیکه قریب ۷۰-۸۰ نفر از مادران و خواهران شهید و زندانیان در مراسم سالگرد حاضر می شوند ، ناگهان پنجاه پوزش آورده و هکلی آنها را دستگیر و روانه کمیته می کند . در کمیته اکثر آنها را پس از یک بازجویی ، در نیمه های شب آزاد میکنند ، لیکن چند تن منجمله دختر آیت الله غفاری شهید را نگه می دارند .

■

✱ تبریز - گوشه‌ای از رنج‌های بیکران خلق ایران

در تاریخ ۱۳/۶/۵۲، یک کارگر شرافتمند وزارت آب و برق که در زیر فشار سهمگین فقر و گرسنگی و محرومیت، زندگی را بر خود تلخ‌تر از مرگ می‌بیند، با پناه به به مرگی بی‌نهایت دلخراش، خود را از رنج بیکران زندگیش می‌رهاند.

این کارگر ابتدا زن و فرزندانش را یک به یک می‌کشد و سپس با خون آنها داستان رنج و سستی را که بر او رفته است - داستانی که گویای حال میلیون‌ها هموطن محروم شده است - بر دیوار می‌نویسد و از "هموطنان" می‌خواهد که انتقام او خانواده‌اش را از رژیم جنایتکار شاه‌خائن بگیرند و آنگاه خودکشی میکند.

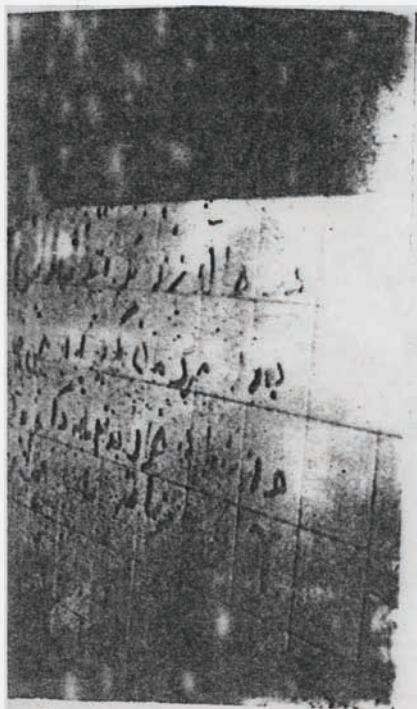
زندگی و مرگ دردآور این هموطن ما، که نمونه بارزی از زندگی مرگبار توده‌ها، محروم خلق ما در زیر استثمار و سرکوب وحشیانه رژیم ضد خلقی ایران می‌باشد، داغ ننگ و نفری ناز و دنی بر پیشانی تبه‌کار رژیم مزدور شاه‌خائن می‌زند و چه‌برهه کریمه جنایتکارانه‌اش را، بین از پیش افشا می‌سازد. ما قبلاً (نشریه خبری ۵) خبر ایسر حادثه را منتشر کرده بودیم، اکنون عکس‌هایی از آنچه که این قربانی جنایت‌های مزدور ایران با خون عزیزانش بر دیوار نوشته بدست ما رسیده است و ما بدلیل اهمیت افشاگرانه این اسناد در روشن ساختن محرومیت‌های خلق و جنایات رژیم، بدین آنها اقدام می‌کنیم.



توجه! ای هم وطن همگی ما از شما ها تقاضا داریم که در یک جا دفن کنید .
خدا یارتان باشد .

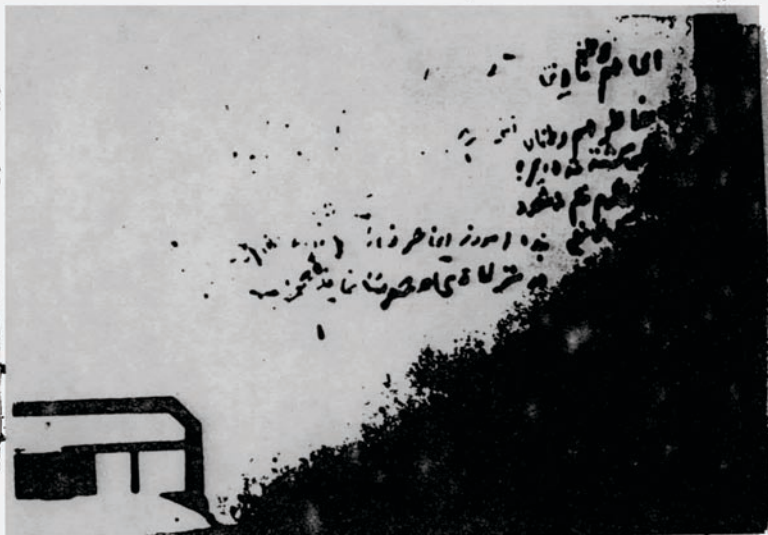
لالای بچه هام لای . آرام بخوابید جگر دام بابا جان . . .
مثل ما ما جان بشین شما آمد . . .

۱/۴ صبح - ۵۲/۶/۱۳



» ای هموطن شما را بعد از اتمام خون ما را از طالبان و مستکبران بکوبید
 در حال زند ما بیکه (زندگی که ۴) نشد، بنابراین بعد از مرگمان بکوبید
 که این چنین طالبان و از خدا بی خیران چون ما بد یکران آزادی نرسانند.

۵۲/۶/۱۳



ای هم وطن ما ه تن بخاطر هموطنان بی کس گشته شد ما یم ! که دیگر به مظلوم ظلم نه شود ، مظلومیکه مثل من بجز خدا و شما هم وطن کسی را ندارند ، که ظالمان و مستکران و از خدا بی خبران که همیشه در زیر ظلم و ستم خود قرار داده و مثل این چنین از بین می برند .

توجه ! چرا باید انسان از انسان بترسد ؟ توجه ! مگر نباید انسان از خدا بترسد ؟ امروز این حرف را (۵۲/۶/۱۳) در منزل آقای وحدت نمایند % حضرت آقای آیت اله شریعتدار زد ...

■ تبران

گفته میشود که ولیم از غلیل در طولی خانن دچار صاحبیه بعمل آورده است. در نخستین صاحبیه وی بپراهن پهن بدین داد و عکس آن در روزنامه ها چاپ شده است. لیکن بهنگام بخش صاحبیه از شبکه تلویزیونی، اثری از فیلم آن دیده نمیشود. پلیس گروچی از کارگزاران اداره تلویزیون (قریب ۱۰-۱۱ نفر) را که گمان می برده فیلم صاحبیه را ضبط مانده، دستگیر نمود. غلیل را مجدداً برای عید شیبانی صاحبیه می آورد.

در این باره بعدی مامور همراه وی بوده است که شاید بتوان گفت برای کنترل هر یک از کارگزاران مربوطه، دو مامور مسلح گد شده بودند و علاوه بر آن، بهرین اداره تلویزیون نیز توسط ماموران مسلح، کنترل میشده است.

■ تیرسز

روز جمعه ۱۳/۴/۵۴، تعدادی از اعضای جایی ۲۴ صفحه ای و ۷ صفحه ای از حزب توده، در کوچه عین علی تیرسز، سر کوهنوردان ریخته شده بود.

این اعلامیه ها بیانگر مشی حزب توده بوده و در ضمن آن ناگنیک مبارزاتی سازمانهای انقلابی، مورد انتقاد قرار گرفته بود. کوهنوردان که با این اعلامیه ها برخورد کرده بودند، تعدادی از آنها را به نشانه ابراز نفرت پاره نمودند.

■ زنجان - تشدید اختلاف و سرکوب

بدنیال انبجار چندین بپ در استانداری و دفتر حزب و ستاخیز این شهر، به نسبت بزرگداشت سالروز نهالالت مجاهدین شهید (۷ خرداد)، پلیس در خیابانها بحرکت در آمده و با بلندگو اعلام میکند که این انبجارها یک مانور بوده است. در هر حال ده زادی از افراد مخپن را در منطقه عطیات و افراد سابقه دار و سیاسی شهر را که احتمال می رفت در این جریان مدخا داشته باشند، دستگیر می نمایند.

در یک مورد ماموران ساواک وقتی برای بازرسی خانه یکی از دستگیر شدگان بنام امیرج سیبوری می روند، در جلوی دروب مادر وی مواجه می شوند که کتابهای پسرش را در گونی ریخته و می خواهد خارج کند.

ماموران می خواهند مادر را دستگیر کنند ولی مردم مداخله نموده و با ماموران به شامخه می پردازند و در این اثنا، پنجه فرو حمل، یک ساواکی مخفی بنام سهراسی از نگاه می زند. بالاخره ماموران این فرد را دستگیر نموده و در ساواک او را ویشانه گد می روند.

در همین رابطه چند دختر دانش آموز دبیرستان آژم را نیز دستگیر کرده و کتبه دستگیر شدگان را در شهرماتی و میخانه گد ده اند. هم چنین پلیس در دایای از اخلاص، از آنجا که دریافته بود باطری بپ ها کتبه نشان نموده است، به کتبه بخاره مراجعه و از آنها پرسیده است که: "این ورها چه کسی باطری کتبه نشان خرید؟" و از این تلاش هم نتیجه ای گرفته است. ویشگیهای پلیس امنکامیسی در مردم یافته و بر حشده و ترسان نسبت بهریم و مرد بران افروده است.

از آن پس ماشینهای گشت پلیس مرتباً خیابانها را تحت نظر گرفته و روت و آند و گویده از نیز توسط ماموران مونه سوار گد لباس شخصی پوشیده اند و کنترل می نمود. و شایع است که یک منطقه کارگران نشین را نیز شهابه گنه اند.

■ سنان

در سرخه سنان، گروهی از مردم را در رابطه با مخفی شدن یکی از اهالی محل - رفیق جهاد فرهاد صفا - دستگیر کرده اند.

رفیق فرهاد صفا، فارغ التحصیل دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز و از اعضای سازمان جهادین خلق ایران، در سال ۵۰ با اتهام عضویت در سازمان جهادین دستگیر و به ۳ سال زندان محکوم شد. وی پس از پایان دوره محکومیتش در اواسط سال ۵۳ آزاد شده و پس از مدت کوتاهی مخفی میشود. بدنبال مخفی شدن او، ساواک دست بدستگیری گروهی از مردم سرخه سنان - زادگاه رفیق - زده است.

یکی از کسانی که گفته میشود در همین رابطه دستگیر شده است، پیرمرد سالخورده ایست بنام صافی که پلیس از بازرسی خانه او مقداری کتاب نیز بدست آورده است.

■ آبکوره

در اوایل شهریور، فردی بنام جلالی (شاگرد فرش فروشی) و فرد دیگری بنام باقرزاده خجسته (سجاهی) در حالیکه در ساعت ۱۲ نیمه شب مشغول بخش اعلامیه بوده اند، دستگیری میشوند. این دو نفر برای دفاع از خود در صورت درگیری احتمالی، چاقو همراه داشته اند.

در ارتباط با اینها، فرد دیگری بنام کامران نافی (مخف فروش) دستگیر و یک جا سازی اسلحه در شانددیز که متعلق به اینها بوده لو رفته و نیز یکی از اهالی شانددیز دستگیری میشود.

پیام سازمان مجاهدین خلق ایران

رفقا! افسه! اتحادیه های دانشجویی خارج از کشور:

پاریس - آستردام - گن - واشنگتن - استراسبورگ - رم - کانادا و ...

ما از شما در حمایت از جنبش خلق ایران و اقدامات اخیرتان در دفاع از فرزندان دلاور خلق که اکنون چند همی بیش
چیز، اقدام فاصله ندارند و میرود که مردم خون پاکتان، آستان انقلاب خلق ایران را گلگون تر سازد، به ویژه انتصاب غذاها
طولانی و دغاگاران، شما که هم اکنون در خارج از کشور، در شهرهای پاریس، آستردام، گن و ... جریان دارد، نشان
همسنگی انقلابی شما با خلق قهرمان ایران و پیشگامان مسلحین بوده و گواه آنست که فرزندان خلق ما هر کجا که باشند، آنجا
حجتاً مبارزه علیه امپریالیزم و دیکتاتوری شاه جنایتکار تبدیل می کنند.

رفقا!

ما از درین سنگر مبارزه مسلحانه خلق، در ایران، همبانه دست شما را می فشاریم و موفقیت اقدامات شما را در دفاع و پیش
از مبارزات خلقمان، آرزو میکنیم.

دربود به دانشجویان مبارز خارج از کشور

متحکم باد پیوند جنبش دانشجویی خارج از کشور و جنبش مسلحانه خلق ایران

دربود به زندانیان سیاسی، پاسداران آرمان خلق

سرتنگن باد رژیم فاشیستی شاه سرسبز.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۳۰۴/۱۰/۱۸

رفقا! هم میهنان مبارز!

از طریق آدرس های زیر می توانید با ما مکاتبه نموده و کمک های مالی خود را بحساب بانکی ما ارسال دارید.

* P.O. BOX 246
CRATER ADEN
People's Democratic Republic of Yemen

— آدرس پستی: کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران

* Account n° 59397
Towahi Branch
National Bank of Yemen
P. D. R. Y.

— آدرس بانکی:

تهران - درگیری و شهادت رفیق جعفر شجاع ساداتی (اواسط اردیبهشت)



رفیق جعفر شجاع ساداتی، اهل تبریز و از اعضای علمی سازمان مجاهدین خلق ایران بود. وی که در سال دوم دانشگاه صنعتی تهران تحصیل می نمود، در روز حادثه، با اتفاق رفیق مسئولان از خیابان ضحیه الاسلام عبور می کرد. است. رفا با مشاهده عناصر مشکوک در سر یکی دو کویه و یک ماشین گشتی کمینده، متوجه مشکوک بودن منطقه شد و قبل از آنکه عناصر پلیس هوشیار شوند و بخواهند تصمیم بگیرند، سرما سمت غرب (خیابان سعدی) فرار می کند و موفق می شوند که با استفاده از شناسایی محل و کویه ها، از منطقه دور شوند. پس از دور شدن نسبی از منطقه خطر، رفا برای گشتن از خطر عریه پذیر، با یک پیکر قرار تعیین کرده و از هم جدایی می کند. نیروهای دشمن که پس از فرار سریع و غافلگیرانه رفا بخود آمده بودند، جریان و مشخصات رفا را با بی سیم به مرکزشان گزارش می دهند. این مشخصات از طریق مرکز به گایه گشتی ها داده شده و اکپ های زیادی در حول و حوش منطقه بسیج می شوند. رفیق جعفر

در نزدیکی چهار راه سید علی، هنگامیکه برای تعویض ملوک و دور شدن از منطقه خطر، قصد عبور از خیابان را داشته، با یک گشتی کمینده مواجه می شود. گشتی که مشخصات او را از طریق بی سیم دریافت کرده بود، وی را شناخته و ایست می دهد. اما رفیق که مسلح نبود، دست می کوبد تا با استفاده از تاکتیک های مناسب، به گریز خویش ادامه دهد. در این حال مرد جوان دشمن او را برگیرا سلسل می بندند. گونه بهترین فترات رفیق و چند گلوله هم بپای وی اصابت کرده و اسیر می شود.

رفیق جعفر با تمام جراحتان زیر شکنجه قرار می گیرد و عاقبت پس از سه روز تحمل شکنجه و مقاومت، شهید می شود. رژیم که علیرغم شکنجه های وحشیانه اش موفق به شناختن هویت سازمانی رفیق نشده بود، خواست با مونتاز کردن خبر شهادت وی در کنار خبر شهادت رفقای افغانی، جعفری و موسوی، دست دیگری تبلیغات علیه انقلابین برند که: "یک شبکه را کشف کردیم و... ما نیز با توجه به اینکه رفیق ساداتی علمی بوده و هیچ دردی دال بر عضویت او در سازمان بدست پلیس نیفتاده بود، و همچنین بواسطه عدم اطمینان از شهادت وی، تا بدست آوردن خبر موثق، اعلام عضویت او را در سازمان، بنوعی انداختیم. اکنون ضمن اعلام این خبر، با رفیق جعفر شجاع ساداتی را گرامی می داریم.

گرامی باد یاد او و باد همه شهیدان پخون خفته خلق.

دفاع از حکومتیست به اعدام: اتحادیه های دانشجویی خارج از کشور، برای دفاع از انقلابیونی که اخیرا در بیدارگاههای رژیم به اعدام محکوم شده اند، در شهرهای پاریس، آمستردام، استراسبورگ، رم، کفن، مونترال و لنس (سوئد) و چندین شهر آمریکا، دست به اقدامات وسیع آشکارانه و اغصاب غذاهای طولانی زدند. این اقدامات انعکاس وسیعی در مطبوعات جهان یافته است. سازمان مجاهدین خلق ایران در این رابطه پیامی خطاب به اتحادیه های دانشجویی وارد در اعتصاب فرستاد. متن پیام بدین شرح است (رجوع شود به صفحه قبل).

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر